

دوم صفر، سالروز درگذشت آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی (۱۳۸۲ – ۱۳۰۵ ق.)، از فقهای مجاهد و مراجع بزرگ شیعه در قرن اخیر است که با حکومت و سلطه جابرانه حزب کمونیست عراق به مخالفت پرداخت و فتوا به کفر آن داد.

سیدعبدالهادی شیرازی، در سال ۱۳۰۵ ه‍.ق. در شهر سامرا، در عراق دیده به جهان گشود. پدرش آیت‌الله سید اسماعیل شیرازی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرازی بود و به دو زبان فارسی و عربی اشعاری زیبا و جالب در مدح ائمه (علیهم‌السلام) سروده است. پس از درگذشت او، سرپرستی سید عبدالهادی را میرزای شیرازی که پسر عموی پدرش بود، بر عهده گرفت.

سید عبدالهادی شیرازی، در شهر سامرا تحصیلات مقدماتی خویش را در محضر برخی از فضلاء این حوزه آغاز کرد.

پس از آن سطح، فقه و اصول را در محضر دو تن از عالمان میرزا محمدتقی شیرسازی به پایان برد. آنگاه به سال ۱۳۲۶ ه‍.ق. رهسپار نجف اشرف گردید و درس فقه و اصول را از محضر بزرگانی چون شیخ محمدکاظم خراسانی، صاحب «کفایة الاصول» و شیخ الشریعة اصفهانی، بهره‌مند گردید. فلسفه و حکمت را در خدمت حکیم الهی، محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و درس اخلاق را از شیخ آقا رضا تبریزی آموخت. وی از بزرگانی چون شیخ الشریعة اصفهانی، سید مهدی آل حیدر کاظمی، سید علی آقا شیرازی، مولا علی یزدی نجفی و حاج شیخ عباس قمی و غیر اینان اجازه نقل روایت داشت.

آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی در سال ۱۳۳۰ ه‍.ق. از نجف اشرف به زادگاه خویش شهر سامرا بازگشت و از آن پس همواره فقط در درس آیت‌الله سیدعلی آقا فرزند میرزای بزرگ شیرازی، شرکت می کرد. تا زمانی که استاد دیگرش آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی رهبر انقلاب عراق در رابطه با انقلاب ضد انگلیسی عراق به کربلا مهاجرت نمود، او نیز بنا به تشییص وظیفه و برای انجام مسئولیت اسلامی و اجتماعی با وی همراه شد و به کربلا رفت. وی در سال ۱۳۳۷ ه‍.ق. از کربلا به نجف اشرف رفت و تا پایان عمر تنها در درس آیت‌الله شیخ الشریعة شرکت می کرد و به درس دیگری حاضر نمی‌شد. تا این که آخرین استادش در سال ۱۳۳۹ ه‍.ق. رحلت کرد. و ایشان از آن پس خود تدریس طلاب حوزه نجف را به عهده گرفت و بسیاری از طلاب و فضلاء حوزه علمیه نجف را از محضر پرفیض خویش بهره‌مند ساخت.

تدریس و شاگردان

شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌گوید: «وی در تسلط بر دانش فقه و اصول به بالاترین سطح علمی رسیده بود و در میان طلاب و فضلا به فردی متبحر و محقق معروف بود. در محضر درسش گروه زیادی از طلاب و بزرگان حوزه نجف شرکت می‌کردند و از خرمن دانش وی بهره می‌جستند. به گونه‌ای که شماری از بزرگان حوزه نجف، دست پرورده حوزه درس او می‌باشند. وی بیش از سی سال از عمر خویش تدریس نمود

اشاره

در بخش نخست این مقاله در دوشنبه پیش، این پرسش مطرح شد که آیا افزون بر انسان متدین و مؤمن، «انسان بما هم انسان»، صرف نظر از اعتقادات دینی نیز در فقه مورد اعتنا است یا نه؟ و اساساً «انسان» چه جایگاهی در علم فقه و در میان فقهاء دارد؟ در پاسخ گفته شد که به اقتضای موضوع علم فقه، جایگاه «انسان» در علم فقه و در میان فقیهان، آنچنان که در فلسفه و عرفان مورد توجه قرار گرفته است، مورد عنایت جدی قرار نگرفته است اما در عین حال، در لابلای مباحث فقهای پیشین مباحث بسیاری به چشم می‌خورد که با مبنای ارزش و کرامت انسان بما هم انسان و رویکرد انسان‌مدارانه بنا شده و اعتقادات دینی و مذهبی در آن، مطرح نیست. لزوم سیراب کردن و غذا دادن به هر انسان، اطعام غیر مسلمانان و زکات برای غیر مسلمانان؛ از جمله نمونه رواداری به انسان در فقه است.

۴. وقف برای غیر مسلمانان

از دیگر مسائل کرامت محور که در فقه مطرح است، این مسئله است که آیا وقف بر کافران مجاز است یا نه؟ در این مقام نیز، برخی از فقیهان با این دید که وقف بر آنان می‌تواند، کمکی بر باورهای اعتقادی آنان باشد، با آن مخالفت کرده‌اند، اما در برابر، برخی دیگر از فقیهان با نگاه انسانی و با استناد به روایت مورد بحث، آن را مجاز شمرده‌اند. علامه حلی در این باره می‌نویسد: «اختلف علماؤنا فی صحّة وقف المسلم علی الذمیّ فقال بعضهم یجوز مط و هو الاقوی لقوله تعالی لا ینهاکم الله عن الذّین لم یناقلوکم فی الدّین و لم ینحروکم من دیارکم ان تبرؤم و تمّصّطوا لیهنّم و قال ع علی کل کید حرّی جرد دل علی جواز الصدقة و الوقف نوع منها و به قال الشّافعی تذکره، (قدیم)، (۴۲۹). عمیدی هم در این باره معتقد است: «أما الجواز علی أهل الذمّة فنقله تعالی لا ینهاکم الله عن الذّین لم یناقلوکم فی الدّین- الی قوله:- أن تبرؤم و تمّصّطوا لیهنّم إن الله یحبّ المُسْطَیْن و هذا بعینه یدل علی صحّة الوقف علی المرتد عن غیر فطره». و قوله صلی الله علیه و آله: «علی کل کید حرّی اجر» (۱۳۵/۲). اما شهید اول با نقل جامع اقوال فقیهان، در این باره، بحث و مودّت و دوستی کافران را از طریق وقف و از زبان مخالفان مورد توجه قرار داده است و می‌گوید: از نظر مخالفان، وقف برای کافران یک نوع دوستی و مودّت با آنان است که طبق آیه شریفه: «لا تجذّ قوماً یؤمنون بالله ولیّوهم الاّخر یؤادون من حدّ الله و رسوله»، (مجادله، ۲۲). ممنوع است، ولی همه با نقل نظریه موافقان وقف، برای کافران می‌نویسد: «ذهب جملة الدّین الی الجواز مطلقا. و حکاه الشیخ فی المیسوط، لقوله علیه السلام: «علی کلّ کید حرّی اجر». و لغوم تویح العسکری علیه السلام، و قد تقدّم، و لاّوّه تملیک فغیره مجری إباحة المنفعة، و لقوله تعالی لا ینهاکم الله الایة». (نجوم الأنفسهم، فائّه بیاتّه لا ینستلزم المعصیة، إذ نفهم- من حیث الحاجة و تأنّهم، عده الله، و من جملة بنی آدم العکرمین، و من حیث یجوز أن یولد منهم المسلمون- لا معصیة قیه و مسالک، ۳۳۴/۵). با مرحوم شیخ حسن کاشف الغطاء با تمایز میان وقف برای تقویت باورهای اعتقادی غیر مسلمانان، با وقف برای پیروان ادیان به‌عنوان «انسان» و با نگاه انسانی می‌نویسد: «من حیث ان وجوعه الی الکفکار کان علی جهة محرمة و هی تقویة دینهم و اعلاء کلمتهم فهو منهی عنه و لا یجامع القریة بخلاف الوقف علیهم لإیصال النفع الیهم دونیا أو اخرویا لانهم من النفوس النسیّی لا یحرم صلتها لکنها من بنی

فقیه مجاهد

و در شمار مدرسان مشهور نجف قرار داشت، هیچ

کس از عرب و عجم چه در عراق و چه در ایران و جای دیگر نیست که آوازه بلند دانش و تقوای او را نشنیده باشد».

برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از علامه محمدتقی جعفری تبریزی (۱۳۰۴ – ۱۳۷۷ ش) وی مدت هفت سال در نجف اشرف از محضر آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی کسب فیض نمود. آیت‌الله شیخ محمدرضا عصفری (۱۳۲۲ – ۱۳۸۳.ه. ق. نجف اشرف) فقیه گرانمایه و عالم روشن بین، از نویسندگان خوش فکر، صاحب قلم و پر کار در حوزه علمیه نجف اشرف بود. او دارای آثار علمی ای چند در فقه و اصول است.

آیت‌الله شیخ محمود یوسفی غروی، وی از یاران امام خمینی و در نجف اشرف در بیرونی منزل امام پاسخگوی مسائل شرعی مراجعین بود.

آیت‌الله حاج شیخ ابوالحسن شیرازی (م، ۱۴۲۱ ه‍.ق) فقیه و عالم فرزانه که پس از پیروزی انقلاب به سمت امامت جمعه شهر مقدس مشهد و نمایندگی مجلس خیرگان رهبری و خیرگان قانون اساسی برگزیده شد.

ویژگی‌های علمی و اخلاقی

آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی از نظر بعد علمی و ادبی در زمان خود دارای شخصیت برجسته و شاخصی بود چنانکه شیخ آقا بزرگ درباراهش می‌نویسد: «او از استوانه‌های استوار فقه و فردی است که بزرگان و دانشمندان نسبت به دانش و فضل و کمالات وی اعتراف داشته و اهل فضل و دانشش، او را به خاطر درس و بحث های عالمانه و پربارش می‌شناسند. وی در زمره عالمان این زمان و از پیشرویان تحقیق و صاحب نظر می‌باشد. او در علم لغت، منطق، تاریخ، حکمت، تفسیر، رجال، حدیث، فقه و اصول متخصص گردید. وی در تمامی دانش‌هایی که بر شمردیم، فزردی قوی، عمیق، ذوق خوش و بلیغ بود. شعر را به دو زبان فارسی و عربی به خوبی می‌سرود.

«ویژگی دیگری که آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بدان

حوزه دوره سوم- ۶۹۵

فقیه مجاهد

ابراز ارادتی به آیت‌الله سیدعبدالهادی شیرازی، به بهانه سالروز رحلت



آراسته بود، بَعْد خدا ترسی و پاکی روح و تقوای وی بود.

تقوایی که از همان اوان جوانی بدان شناخته می‌شد. وی در زمره پراپیشگانی است که بدین لحاظ و به جهت فروتنی و اخلاص و دوری از ریا و تکبر و روی گردانی از دنیا بزرگ المثل‌اند. او از بندگان صالح، عابد و زاهدی است که جز درد دین، دردی نداشته و غمی جز غم حساب و کتاب روز بازپسین

فقیه مجاهد

خود نداشته است. او نفس خویش را از پلیدی‌ها و آلودگی‌های این جهان مادی پیراسته، علم و عمل را با هم جمع نموده و به رستگاری و سعادت جاودان رسیده است. وی عالمی بلند مرتبه در اخلاق و تهذیب نفس است و نظر به مقام شامخ علمی و تدین و تقوایی که داشت در نظر مردم بسیار گرمای و مورد احترام بود و دل های مردم بدو روی می‌آورد و او را در دل و جان، عزیز و محترم می‌شمردد.»

شاکرد فرزانشاهش علامه محمدتقی جعفری می‌گوید: «در فقه، مدت هفت سال من خدمت آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بودم و در جلسه‌هاشیه بر عروه ایشان حضور داشتم که بسیار از نظر فقهی پربرکت بود. یکی از عالی‌ترین ایام زندگانی من، همین مدت هفت سال است که خدمت ایشان بودم. مرحوم آقا سید عبدالهادی، مرد علم و عمل و براستی تجسمی از معرفت و تقوا بود… من بارها دیدم که ایشان موقع نماز خواندن می‌لرزید.»

آیت‌الله فیاض نیز می‌گوید: «آیت‌الله سید

عبدالهادی… مردی بسیار متین، بزرگوار، سنگین و رعایت‌کننده آداب بود. از جهت اخلاقی ممتاز بود،

مواظب بود که در محضر و مجلسش حرف لغو و کلام ناپجا گفته نشود، والا ناراحت می‌شد. با وقار

بود، هر کس که خدمت ایشان می‌نشست هم کسب علم می‌کرد و هم کسب اخلاق، در تقوی کامل بود.»

زهّد و بسی اعتنایی این مرد بزرگ نسبت به مال و منال دنیا تا جایی بود که با آن موقعیت بزرگ

اجتماعی که داشت تا چند سال پیش از وفاتش هنوز در خانه استیجاری زندگی می‌کرد.

گریزان از مقام: علامه محمدتقی جعفری می‌گوید: «مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی مردی بود که

هر چه به او نزدیکتر می‌شدم، علاقه‌ام به او بیشتر می‌شد. من ندیدم کسی را که این مقدار مقام دنبال او بدود ولی او از آن گریزان باشد. مرحوم شیرازی واقعا این گونه بود.»

آثار و تألیفات

آثار علمی که از آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی به یادگار مانده بیشتر در موضوع فقه و رساله‌هایی به زبان فارسی و عربی و تقریرات در مباحث فقه و اصول است. از جمله شرح عسرة الوتقی «دارالسلام» (در فروع اسلام و احکام، دارای هزار فرع از فروع اسلامی) «رسالة فی اللباس المشکوک» «کتاب الصوم» «کتاب الزکوة» «کتاب النجاسات و المطهّرات» «الاستصحاب» «اجتماع الامر و التّهی» «الحواله» «الرضاع».

مرجعیت

آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی در مسجد شیخ انصاری در نجف که محل جمع بزرگان از اهل فضل و تقوا بود، نماز جماعت اقامه می‌کرد و چون در سال ۱۳۶۵ ه‍.ق. مرع تقلید شیعیان آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی به رحمت ایزدی پیوست و مرجعیت پس از وی را آیت‌الله حاج آقا حسین قمی در سال ۱۳۶۶ ه‍.ق. عهده‌دار گردید، برخی از خواص علمای حوزه نجف، آیت‌الله سیدعبدالهادی شیرازی را جهت تصدی این امر شایسته‌تر دانسته و از ایشان می‌خواستند، این منصب دینی و مهم را به عهده بگیرند. لکن وی همواره از پذیرفتن آن خودداری نموده و از به دوش گرفتن چنین مسئولیت خطیری شانه خالی می‌کرد ولی سرانجام با درخواست‌های مکرر علما و مردم عراق و ایران و جاهای دیگر، وی با اکراره این مسئولیت بزرگ را پذیرفت و رساله ایشان منتشر گردید و کم کم دایره مرجعیت او گسترده شد. لیکن این سید وارسته و مهذب از این مقام و شهرت مرجعیت خشنود نبود، همانگونه که گفته می‌شد، خلوت، ناراحتی و عدم رضایت خویش را اظهار می‌داشت.

فتوای ضد کمونیسم

مؤلف کتاب «مراقد المعارف» می‌نویسد: وی از مراجع تقلید و علمای مجاهدی بود که مخالف حکومت و سلطه جابرانه حزب کمونیست عراق بود. در آن زمان (سال ۱۳۷۸ ق) سران و حاکمان عراق به قدری نسبت به مردم عراق ستم و جنایت می‌کردند که نه هولاکوخان مغول در بغداد، این اندازه مرتکب جنایت شده بود و نه صهیونیست‌ها در دیرباسبین! با به قدرت رسیدن حزب کمونیست در عراق، آیت‌الله سید محسن حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی فتوا به کفر حزب کمونیست عراق دادند. فتوای آیت‌الله شیرازی، در تاریخ هشتم شوال ۱۳۷۹ ق. صادر شد و متن آن این بود: «الشیوعية ضلال و الحصاد فلا یجوز الإلتنام الیها». کمونیسم، گمراهی و بی دینی است و جایز نیست کسی بدان منسوب باشد.

وفات

مرحوم آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی (اعلی‌الله مقامه) در اواخر عمر به علت مطالعه و تحقیق زیاد، بینایی خود را از دست داد و بعد از سالها تحقیقات علمی و خدمت به اسلام و مسلمین سرانجام در دهم صفر ۱۳۸۲ قمری در کوفه، چشم از جهان فروبست و به رحمت ایزدی پیوست. پیکر پاک وی را در آب فرات غسل داده و پس از انتقال به نجف اشرف، در حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام – در مقبره میرزای شیرازی – به خاک سپردند.

خوبی نیز تأیید می‌کند که از نظر فقیهان مخالف شرط ایمان،

ذیلی غیر از اجماع برای این حکم وجود ندارد (ر.ک معتد، ۱۲۹۹/۵). از سوی دیگر، محقق داماد با تردید در اجماع مورد بحث و استناد به روایاتی که بخشش قربانی به مشرکان را نیز تجویز می‌کند، تأکید دارد که اساسا به‌خاطر غیر عملی بودن شرط و کمبود شعیبان در سرزمین منا، نمی‌توان در چنین موضعی قائل به شرط ایمان شد. (محقق داماد، محمد، ۱۳۹۹/۳). ضمن این که حتی در سهم فقیر هم این قاعده را می‌توان جاری دانست که شرط «ایمان» برای او در سرزمین منا، غیر عملی است، به‌ویژه آن که گوشت، غذایی است که به فوریت فاسد می‌شود و امکان نگهداری آن برای همه حجاج و تحویل آن به مستحق در آینده مقدور نیست. افزون بر این‌که، چگونه ممکن است شارع مقدس مؤمنان و میسلمان غنی را مکلف کند تا در اعمال عبادی خود که صرفاً باید برای خدا و «قریة الی الله» باشد، قربانی کنند، ولی گوشت آن را به غیر هم کیشان نیازمند، صرفا به‌خاطر اعتقادات مذهبی و دینی ندهند. در حالی خود خواندند در هر آن، به صورت عام و شامل بدون هیچ قید و محدودیتی، روزی رسان خلائق است؟!

۸. آزاد کردن بنده کافر

یکی از برنامه‌های اسلام، براندازی نظام بردگی جاهلیت، به صورت گام به گام و تدریجی بوده است. بدین منظور، در عین حال که بردگی کافران حربی، در جامعه دینی به رسمیت شناخته شده بود، در بسیاری از احکام شرعی، آزاد کردن برده، به‌عنوان یک عبادت الهی تلقی شده و رهایی بندگان به مناسبت‌های مختلف و به شیوه‌های بسیار آسان توسط ائمه اطهار (ع)، به‌عنوان یک سنت دینی، قلمداد می‌شد. به گونه‌ای که پس از مدتی اینن نظام به جای مانده از دوره جاهلیت، به کلی در جوامع اسلامی ریشه کن شده است. در این میان، اگر چه بسیاری از بردگان، پس از اسارت و هضم در فرهنگ جامعه اسلامی، اسلام اختیار می‌کرده‌اند، اما تعداد قابل توجهی از آنان، همچنان بر اعتقادات پیشین خود اصرار می‌ورزیدند. بنابراین، آزاد کردن این سنخ از بردگان، همواره مورد سؤال متذقینان بوده است و در پاسخ به این نوع از پرسش‌ها، بسیاری از فقیهان به این دلیل که آزاد کردن بنده، از عبادات است و قصد قربت در عبادات شرط است، با آزادی عبد کافر مخالفت کرده‌اند، چرا که قصد قربت را در آزاد کردن یک کافر، قابل تحقق نمی‌دانستند، (ر.ک: ابن ادریس، سرائر، ۴/ ۳؛ محقق حلی، شرایع، ۸۰/ ۳؛ علامه حلی، تذکره، ۴/ ۳۹۲). اما در برابر، برخی از فقیهان با به صورت مطلق یا آن مواقت کرده‌اند (ر.ک: شیخ طوسی، خلاف، ۳۷۱/۶)، یا مثل صاحب جواهر معتقدند که اگر هم قصد قربت در آزادی بردگان شرط باشد، در مواردی است که آزادی آنان از صدقات واجب شمرده می‌شود، والا نفس آزادی بردگان، نیازی به قصد قربت ندارد، ضمن این که برخی ادله، صحت آزادی بردگان بر مسلمانی آنان را تأیید می‌کنند و مصلحتی در آن وجود دارد که آزادی آنان را مجاز می‌شمارد، افزون بر آن که ادله عام نیز مؤید آزادسازی بندگان غیر مسلمان است (نجفی، ۱۱۱/۳۴).

نکته دیگری که می‌توان به سخنان صاحب جواهر اضافه کرد، همان است که در سطوره بالا مورد اشاره قرار گرفته است و آن این‌که، اساساً مساعدت و یاری غیر مسلمان، اگر به‌خاطر تقویت دین آنان و با باورهای اعتقادیشان باشد، از نظر شرعی ممنوع است، ولی اگر از باب انسانیت آنان و به‌عنوان بندگان آزادکنند، لزوماً باید همان کار را انجام دهد، (شیخ طوسی، نهایه، ۵۴۴) و این نگاه هم نشان می‌دهد که آزاد کردن بنده، یک امر نیکو و مورد پسند شارع است و در این زمینه، اگر موضوع تقویت اعتقادات دینی در کار نباشد، تفاوت میان مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد.

رواداری نسبت به «انسان» در فقه (۲)

مهدی پورحسین

صدقه محسوب می‌شود و در دین مجاز، بلکه رجحان دارد، ولی در عین حال، برخی فقیهان برای جواز پرداخت صدقات به غیر مؤمنان و مسلمانان به روایت «لکل کید حرّی اجر» نیز، استناد کرده‌اند. چنان که علامه حلی با استناد به این روایت می‌گوید: «تجوز الصدقة علی الکافر و إن کان اجنبیا و به قال الشافعی لقوله ص لا ینهاکم الله عن الذّین لم یناقلوکم فی الدّین و لم ینحروکم من دیارکم ان تبرؤم و تمّصّطوا لیهنّم إن الله یحبّ المُسْطَیْن و لقوله ع علی کید کل حرّ اجر (تذکره، قدیم)، (۴۲۶). روشن است در این‌جا نیز، انگیزه صدقه دهنده، مهم است و قطعاً نمی‌تواند به منظور تقویت دین و یا یاور باطل صدقه گیرنده باشد (کاشف الغطاء، حسن، هبه، ۴).

۶. وصیت به نفع غیر مسلمانان

شهید اول به برخی از بزرگان فقه، از جمله شیخ طوسی در خلاف، نسبت می‌دهد که وصیت به نفع کافران را جایز می‌شمارند و چند دلیل برای آن ذکر می‌کند که یکی از آنها همین روایت، «لکل کید حرّی اجر» می‌باشد. وی می‌نویسد: «للشعیبیه تعالی فَمَنْ بَدَلَهُ بَعْدَ ما سَمِعَهُ و قوله لا ینهاکم

*هر کار خیر و معروفی نسبت به غیر مسلمانان، صدقه محسوب می‌شود و در دین مجاز است بلکه رجحان دارد

الله و قول النبئی صَلَّى الله علیه و آله: «علی کلّ کید حرّی اجر». و لعدم اشتراط القریة، و لاصاله الصّحة، و لاّنها نوع عطیة فجازت بعد الوفاة کحال الحیاة (غایة المرام، ۴۶۶/۲). طبق این نظر، حتی اگر این روایت عام نبود، ادله دیگر، مثل تأکید قرآن بر عدم تغییر وصیت، عدم مناعت قرآن بر تعامل سازنده با کافران غیر حربی، اصل صحت در اعمال و جواز مطلق عطیه به دیگران، ایجاب می‌کند که وصیت و یا در واقع غیر رسانی به غیر مسلمانان به انگیزه صحیح، درست باشد. همچنین مرحوم بحرالعلوم در رد کسانی که وصیت برای کافر را جایز نمی‌دانند، ادله دیگری بر می‌شمارد با این مضمون که وصیت هر چه باشد، باید عمل شود ولو برای پیروان دیگر ادیان مقرر شده باشد (بحرالعلوم، محمد، ۱۳۹/۴؛ همچنین ر.ک: روحانی، سید صادق، ۴۱۶/۲).

۷. اهداء گوشت قربانی

طبق فتوای فقیهان، واجب است کسی که به حدی از استطاعت رسیده و حج واجب انجام می‌دهد، در زمان وقوف باشد، در مناسبه قربانی بپردازد و با گوشت آن دیگران را بهره‌مند سازد. در این راستا، مستحب است که گوشت قربانی به سه سبب، برای خود حاجی، فقرا و جهت اهسا به دیگران تقسیم شود. برخی از فقیهان در اهدای این گوشت، «مؤمن بودن»، که اشاره به شیعه بودن دریافت کننده دارد، را شرط می‌دانند (ر.ک شهید ثانی، رسائل، ۳۴۳/۱)؛ فیض کاشانی، مفتاح، ۳۵۶/۱؛ بحرانی، یوسف، حدائق، ۶۱/۱۷). اما صاحب جواهر که اتفاق در بسیاری از موارد مشابه، شرط ایمان را در موسوعه فقهی خود می‌پذیرد و در این مورد هم به حکم احتیاطی روی می‌آورد، در این باره تأکید می‌کند که صرف نظر از اجماع موجود در این زمینه، ایمان شرط نیست و حتی بر اساس ادله عام، از جمله «لکل کید حصری اجر»، می‌توان گفت که افزون بر مخالفان مذهبی، گوشت قربانی به کافران و مشرکان هم اهدا شود (نجفی، ۱۹/ ۱۶). مرحوم آیت الله

قلوبهم و رغبتهم فی الإسلام» (تکله، ۲۱۶/۱).

بنابراین، همان گونه که سید بحرالعلوم بدان توجه کرده است، به‌عنوان یک قاعده، می‌توان پذیرفت که اگر هم در جایی از فقه، از مساعدت یا ترحم به غیر مسلمانان نهی شده باشد، تنها برای جلوگیری از مودت مضر و جلوگیری از مرز شکنی اعتقادی و تقویت باورهای غیر حق است، والا کمک و مساعدت و یا ترحم به هر انسان دیگری با هر مرام و مسلک اعتقادی، ولو در مقابل مسلمانی باشد، از جمله وقف برای آنان از روی انسانیت یا دیگر وجوه جایز، پسندیده و نیکو است (بحرالعلوم، محمد، ۱۴۱/۴).

۵. صدقه برای غیر مسلمانان

پرداخت صدقه به انسان‌های نیازمند، بدون توجه به جنبه‌های اعتقادی و باورهای دینی، دارای روایت خاص است. از جمله راوی نقل می‌کند که: «قُلْتُ لابی عَبْدِ الله ع إِنَّ أَهْلَ الْبِوَادِیِ – یَتَّقِحُونَ عَلَیْنَا وَ فِیهِمُ الْیَهُودُ وَ النَّصْرَیْ – وَ النَّحْوَسُ فَتَنْصَدِقُ عَلَیْهِمْ قَالُ نَعَمْ»، (جرعاملی، وسائل، ۹/ ۴۱۵). از سوی دیگر، (براساس روایت نوری مشهوری: «کل معروف صدقة»، (همان، ۳۴۵/۹)، هر کار خیر و معروفی نسبت به غیر مسلمانان،